

جمع‌بندی سلام دمکرات از فعالیت چند ماهه جنبش معلمان در ایران

نامه سر دبیر

بیست هفتم اردیبهشت ماه هشتاد و شش

همانطور که همه خوانندگان این سایت در طول مبارزات فرهنگی ما شاهد بودند، ما بدون قید و شرط از حرکت یکپارچه‌ی ایشان حمایت کرده و جزئیات مبارزات و تمامی نظرات شان را بدون هیچ سانسوری منتشر ساختیم. در این مدت تعدادی از خوانندگان و حتی نویسندگان این سایت بارها به ما انتقاد کردند که بدون لحاظ سمتگیری‌های سیاسی نهفته در این عملکردها و دیدگاه‌ها آنها را تبلیغ می‌کنیم. ما نیز با کمال صبوری این انتقادات را شنیدیم و به روی خود نیاوردیم. چرا؟ چون در آن زمان، یعنی هنگامیکه قشری سازمان یافته رو به خیابان گذاشته و در حال مبارزه‌ای جاری است، این جایگاه ما نبود که اظهار نظر کنیم. آنها رهبران و معتبرین خود را داشتند و هر گونه دخالت و انتقادی از طرف ما می‌توانست مورد سوء استفاده‌ی حکومتیان و فرصت طلبان قرار گیرد. در چنین شرایطی ما برای خود تنها و تنها نقش اطلاع‌رسانی قائل بوده و سعی کردیم با تنها ابزاری که در دست داریم به مبارزاتشان یاری رسانده و دستیابی به برنامه‌ها و نظرات یکدیگر و رهبرانشان را تسهیل کنیم. اما این عملکرد ما، در چنان شرایطی، به معنی تایید نظرات و عملکرد ایشان نبوده و نیست. اینک که دور اول این تقابل به پایان رسیده و بنظر می‌رسد که قشر فرهنگی ما می‌بایست به تفکر و جمع‌بندی از فعالیت‌های خود بپردازد، ما موقعیت را مناسب می‌بینیم که بعنوان افرادی که در طول این مبارزه، هر روز و هر دقیقه را در کنارشان گذرانیم و گزارشگرانمان همراه ایشان کتک خورده و باطوم مزه کردند، در این زمینه نیز، تا آنجایی که عقلمان می‌رسد به ایشان یاری رسانیم. پس بدون هیچ مقدمه دیگری نظر خود را نسبت به عملکرد معلمان فهرست وار ارائه می‌دهیم:

۱. رهبری کنونی کانون صنفی معلمان ایران با توهم "خودی" بودن شان، و اینکه گویا در "حکومت اسلامی" دارای ارج و قربی بالاتر از دیگر اصناف کارگری هستند، فکر کردند که تافته‌ی جدا بافته‌ای بوده و برخلاف کارگران دیگر اصناف، جناحی از هیئت حاکمه از خواسته‌هایشان دفاع کرده و ایشان می‌توانند با فشار اندکی، از طریق گردهمایی‌ها و تحصن‌ها و سپس شرکت در مذاکرات، این جناح را تقویت کرده تا خواسته‌هایشان را بفوریت در مجلس و شورای نگهبان و دولت به کرسی نشانند و حق شان را بگیرند. به همین دلیل بود که در طول این مبارزه، هنگامیکه به وبلاگ‌های متفکرین ایشان رجوع می‌کردیم، می‌دیدیم که علیرغم پاسخ زوری که در خیابان می‌شنیدند، از "اعلمی" و ... در حال تشکر بودند و مخالفین خود را به "آیات قرآن" و جملات "نهج البلاغه" رجوع داده و از بی‌عدالتی و "خشم الهی" بر حذر می‌داشتند. درصدی از توده معلم‌ها هم از چنین دیدگاهی تسری یافته و به دنبال رهنمودهای رهبرانشان به راه افتادند. و باید الحق گفت که چه این رهبران و چه معلمانی که در این اقدامات شرکت کردند از خود چنان همت و شجاعتی نشان دادند که هر انسانی، حتی اگر منتقد حرکتشان است، باید به ایشان دست‌مریزاد و خسته نباشید بگوید. هم اکنون نیز در سراسر کشور تعدادی از ایشان در دخمه‌های حکومت حامی سرمایه

داران و مفتخواران دولتی زندانی هستند. اما، آنچه این دوستان از آن غافل بودند و دیدگاه و هم آلودشان نگذاشت که در طول مبارزه به اشتباه خود پی ببرند، این بود که حکومت اسلامی، حکومت نماینده ی "عدل علی (ع)" نبوده و نماینده ی سرمایه داران و مفتخواران دولتی و حکومتی می باشد، و "شرکت واحدی" و "کارگران نساجی" و "اتحادیه اخراجی و بیکاران" و "اعضای کانون صنفی" که تقریباً تمامشان از "جبهه رفتگان" و "جانبازان" و "ازادگان" هستند سرش نمی شود. و اصولاً منطق و زبان ایشان با منطق و زبان کارگری متفاوت بوده و فقط حرف زور می زنند و حرف زور را می شنوند.

۲. طرح تاکتیکی اتخاذ شده از طرف رهبری کانون صنفی نیز بر مبنای همین توهم ریخته شده بود. یعنی تمرکز اقداماتی گسترده در مدت زمانی کوتاه، برای اعمال فشار هر چه بیشتر بر بدنه حکومت و دولت در جهت رسیدن به خواسته هایشان! از آنجاییکه انتظار داشتند در مذاکرات پیامد هر آکسیون به خواسته های خود برسند، یا متوجه ریزش اعضای حامی خود پس از هر سرکوب نبودند و یا اگر هم بودند، چون "پیروزی" را از مذاکرات بعدی انتظار داشتند، به آن اهمیتی نمی دادند. در صورتیکه اگر ایشان دچار توهم مذکور نبودند متوجه می شدند که در بزرگترین گردهمایی شان هم تنها از حمایت فعال جمعیتی کمتر از ۲۰ درصد معلمان پایتخت برخوردار بوده که آن هم رفته رفته به یک تا دو هزار نفر کاهش یافت. اگر ایشان از همان اول دیدی واقع بینانه نسبت به حکومت و طرف های مقابل شان داشتند، و می دانستند که مبارزه ایشان نیز همچون دیگر اقلیت طبقه کارگر نیاز به طرح های درازمدت و تعداد حامیان بیشتر و سازماندهی منسجم تری دارد، شاید می توانستند عکس این روند را طی کرده و با نیرویی قوی تر از آغاز، راه خود را برای زور آزمایی های آتی آماده سازند. چون عادت نداریم کلی گویی کنیم، منظورمان اتخاذ تاکتیک هایی با هزینه کمتر به توده معلم است. یعنی به جای گردهمایی و تحصن و زد و خورد با نیروهای سرکوبگر حکومتی در مقابل مجلس و وزارتخانه ها از شیوه های اعتصاب و تحصن در مدارس و تبلیغ و ارشاد و سازماندهی و درگیر ساختن دیگر معلمانی که به اصلاح پذیری حاکمیت و دولت اعتقاد نداشته و حاضر به رو در رویی با نیروهای سرکوبگر حکومتی نبودند. چرا که اولین و دومین آکسیون تجمع معلمان در مقابل مجلس که بسیار موفقانه برگزار گردید، توده معلمان را به هیجان آورد و بهترین شرایط را برای جلب حمایت ایشان فراهم ساخت. اما با برگزاری تحصن ها و گردهمایی های بعدی که مورد سرکوب شدید نیروهای سرکوبگر حکومتی قرار گرفت و اصرار به تداوم پیشبرد چنین تاکتیکی از طرف "شورای سراسری فرهنگیان" شرایط را به صورتی تغییر داد که نه تنها اقبال جدیدتری جذب این تحریکات نشدند، بلکه شاهد ریزش در حامیان بالفعل کانون های صنفی بودیم.

۳. هدف تعیین شده نیز هدفی اصلاح طلبانه بود که نه تنها به انتظارات فرهنگیان پاسخ نمی داد بلکه آنها را در مسیر تصادم با خواسته ها و منافع دیگر کارگران قرار داد. در طول این دوران حتا نمایندگان مجلس هم به معلمان و نمایندگان ایشان تذکر می دادند که اگر "طرح هماهنگی..." به مرحله ی اجرا هم برسد در اضافه شدن حقوق اکثریت معلمان تغییرات اساسی ای نخواهد داد. بسیاری از معلمانی که در پایه های پایین رتبه های دولتی هستند، هیچ نفعی از اجرای این طرح نمی بردند. و از طرف دیگر فعالان کارگری و سیاسی نیز به معلمان و کانون صنفی هشدار دادند که هدف قرار دادن طرحی که نه تنها منافع دیگر بخش های کارگری را در نظر نگرفته، بلکه به ضرر بخشی از ایشان نیز تمام می شود، تنها باعث ایجاد تفرقه در صفوف کارگران و منزوی شدن قشر معلم

خواهد انجامید. اما کو گوش شنوا؟ رهبری کنونی کانون صنفی معلمان ایران که اکثریت شان با توهمی اصلاح طلبانه وارد میدان گشته بودند هدفی را اتخاذ کردند و بر آن اصرار ورزیدند که می پنداشتند به سرعت قابل وصول است. اما وقایع بعدی برای چندمین بار در طول دهه گذشته نشان داد که دید اصلاح طلبانه محکوم به شکست می باشد. بهتر بود که کانون صنفی معلمان نیز هدف خود را همراه با دیگر اصناف کارگری تعیین حداقل حقوق پایه ماهانه ۴۵۰۰۰۰ تومان، استخدام رسمی معلمان قراردادی و حق التدریسی، بیمه های درمانی و بیکاری و بازنشستگی و ... قرار می داد تا هم بتواند منافع قشر وسیعتری از معلمان را نمایندگی کرده و به صفوف خود جلب کند و هم دیگر اقشار کارگری را در کنار خود قرار دهد.

۴. نکته آخر، اما از همه مهمتر اینکه، نمایندگان کانون صنفی معلمان و دیگر رهبران و معتبرین آنها در طول این مبارزه خطی مصنوعی بین ماهیت مبارزه خود می کشیدند و سعی داشتند که آن را صرفاً مبارزه ای صنفی و عاری از محتوای سیاسی معرفی کنند. اما در واقع فاصله ای بین خواسته های صنفی و سیاسی وجود ندارد. در بالا گفتیم که طرح خواسته ها و اتخاذ تاکتیک های مطرح شده از سوی رهبری کانون های صنفی برخاسته از دیدگاه سیاسی ای مشخص، یعنی اصلاح طلبی بوده است. هنگامیکه عده ای خواهان تصویب "طرحی قانونی در مجلس" می شوند و در کنار آن استعفای وزیری را از کابینه مطرح می سازند، خواه نا خواه درگیر مبارزه ای صنفی - سیاسی شده اند. اکثریت توده ی معلمان هم این حرکت را از دیدگاه سیاسی خود جدا نکرده و با توجه به شکست سیاسی اصلاح طلبی در دوران خاتمی حاضر به قدم گذاشتن در میدان نشدند و از رهبران کانون صنفی و تحرکات ایشان حمایت نکردند. چرا که ایشان حامل توهم مسلط بر نمایندگان کانون صنفی نبوده و با دیدی واقعگرایانه به حکومت و دولت "مهرورزی" می نگریستند. به عبارت دیگر، همانطور که آقای بهمن فاتحی، از فعالین جنبش معلمان مطرح کردند: "رادیکالیسم موجود در توده ی فرهنگیان در نمایندگی کانون صنفی معلمان ایران متجلی نگشته است" (نقل به معنی از مصاحبه ایشان با سلام دمکرات). و تا زمانیکه این فاصله ی دیدگاه ها از میان نرود و نگرشی اصلاح طلبانه بر نمایندگان کانون صنفی معلمان ایران حاکم باشد، ما شاهد شکست های ادواری و دزدگی متناوب قشر معلم خواهیم بود.

امیدواریم که فعالان و نمایندگان جنبش معلمان که در طول این مبارزات از خود گذشتگی ها و شهامت تقدیر آمیزی نشان دادند، نیز در جمع بندی های خود به درک ایجاد تحول در دیدگاه ها، اهداف و خواسته ها، تاکتیک ها و سیاست ها رسیده و از تعطیلات تابستان برای تشریک مساعی با توده ی معلمان و دستیابی به اهداف و تاکتیک های مناسب با خواسته اکثریت معلمان استفاده کرده و نهایتاً با انجام انتخابات محلی و سراسری کانون های صنفی معلمان ایران و تشکیل مجدد شورای سراسری فرهنگیان ایران فاصله ی خود را از خواسته های اکثریت معلمان از بین برده و به نیازهای واقعی جامعه فرهنگیان ایران پاسخ دهند.

اتحاد، مبارزه، پیروزی!

نان، مسکن، آزادی!

سایت: سلام دمکرات